کندوکاو

نام «کهن دیار» در شعر کهن و معاصر فارسی

استفاده از نام «ایران» در شعر فارسی از دیروز تا امروز در گفت‌وگو با دکتر راشد محصل و دکتر قیامتی

«و آن روز که شاپور به پیش سم شبرنگ/ افکند به زانوی ادب والرین را/[...]یارب تو نگهبان دل اهل وطن باش/ کامید بدیشان بود ایران کهن را»
این ابیات از قصیده مشهور ملک‌الشعرا بهار که به یک پیروزی تاریخی ایران بر رقیب ابرقدرتش روم و تجلی این پیروزی در نقش‌برجسته نقش رستم اشاره دارد، نمودی از درخشش نام ایران در شعر فارسی است

رادمنش| متون کهن بازمانده از قرون گذشته می‌تواند سندی باشد از فرهنگ، آداب و رسوم، باورها و حتی نیازهایی که در آن دوران وجود داشته است. همچنین می‌توان رد و ریشه نام‌های کهن و تاریخچه آن‌ها را تا حدودی در آنچه از این آثار باقی مانده است دید. از مهم‌ترین نام‌هایی که می‌توان و باید رد آن را در آثار کلاسیک زد، نام «ایران» است. تاخت‌وتازهایی که به این کشور شده است، از اسکندر مقدونی تا چنگیز مغول و دیگران، چیزی نمانده بود که نام و هویت ایران را به محاق ببرد یا تحت تأثیر قرار دهد. اما این نام زنده مانده است و می‌توان آثار ادبی کهن فارسی را هم سندی دانست بر پیشینه کهن این زیست طولانی و بادوام. در این گزارش به سراغ دکتر محمدرضا راشد محصل، استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی، و دکتر علیرضا قیامتی، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان مشهد، رفتیم تا از این ۲ پژوهشگر ادبیات درباره پیشینه نام ایران در متون منظوم ادبیات فارسی و میزان و چرایی کاهش یا گسترش استفاده از آن در شعر شاعران ما در دوره‌های مختلف بپرسیم.

ایران در شعر فارسی، از توس تا آذربایجان

دکتر محمدرضا راشد محصل با تأکید بر اینکه نام ایران هیچ‌گاه فراموش نشده است می‌گوید: در متون منظوم فارسی به طور کلی، از رودکی بگیرید تا شاعران دوره‌های بعد، از «ایران» فراوان نام برده می‌شود. در این میان، در دوره‌هایی ایرانیان «آزادگان» خوانده می‌شوند. شما در شعر ناصرخسرو می‌بینید که «تن پاک فرزند آزادگانم/ نگفتم که شاپور بن اردشیرم». یا اسدی توسی در «گرشاسب‌نامه» می‌نویسد: «از ایران جز آزاده هرگز نخاست/ خرید از شما بنده هر کس که خواست». بارها در «شاهنامه» نام ایران به کار رفته است. در شعر نظامی هم نمونه‌هایی داریم که نام ایران را آورده است. به طور کلی، هم در متون کهن و هم پس از مشروطیت این کلمه بسیار کاربرد داشته است.

او ادامه می‌دهد: نام ایران ممکن است در دوره‌ای کمتر استفاده شده باشد، اما از مشروطیت به بعد می‌بینید که بسیار کاربرد دارد. مثلا شاعرانی مانند ملک‌الشعرا بهار، ادیب‌الممالک فراهانی و شاعرانی که در آذربایجان بودند، در سروده‌هایشان از نام ایران بسیار استفاده کرده‌اند.

مهر ایران تا پای جان

دکتر علیرضا قیامتی در ابتدای صحبتش به ریشه نام ایران اشاره می‌کند و آن را برگرفته از «ایر» می‌داند که به معنی نجیب است. او می‌افزاید: نام ایران در همه دوره‌ها بوده است. درست است که گاهی در بین شاعران کم‌رنگ می‌شده، اما نام ایران و ایرانی هیچ‌وقت از بین نرفته است. در ادبیات ما و برای نخستین بار پس از اسلام، کسی که از ایران یاد می‌کند، پدر شعر فارسی، رودکی است، در دوره سامانی. سامانیان تمایلات ایران‌گرایی و به فرهنگ و آیین‌های نیاکانی دل‌بستگی داشتند و به زبان فارسی اهمیت می‌دادند. ما نمی‌توانیم هویت ایرانی و زبان فارسی را از هم جدا کنیم. وقتی حافظ از «فارس» می‌گوید، استان فارس مد نظرش نیست. استان فارس مربوط به تقسیمات اکنون است. منظور حافظ از فارس همان ایران است. مولانا هم اگر نام ایران را نیاورده است و می‌گوید «پارسی گوییم هین تازی بهل» باز این «پارس» که در شعر او زیاد آمده، در آن دوره به ایران اطلاق می‌شده است. پس این‌گونه نبوده است که آن‌ها فراموش کرده باشند و این نام را نیاورده باشند. البته نام «ایران» به این شکل، فقط در شعر حافظ و مولانا نیست، وگرنه در شعر همه شاعران بزرگ ما از این نام استفاده شده است. استفاده نشدن کلمه ایران در شعر این ۲ شاعر هم به این دلیل بوده است که در آن دوره پارس را به جای ایران به کار می‌بردند. این پژوهشگر ادبیات فارسی با ذکر نمونه‌هایی از شاعران مختلف، مصداق‌هایی برای حرفش می‌آورد و می‌گوید: در عصر سامانیان، رودکی در ستایش احمد بن محمد قصیده‌ای دارد که در آن او را چنین می‌خواند: «آن مه آزادگان و مفخر ایران». آزادگان هم به ایران مربوط است که در شعر ناصر خسرو و در شاهنامه فردوسی هم آمده است. در دوره غزنویان احساسات ملی در اولویت حکومت نبود و آن‌ها زیر نظر و حاکمیت بغداد بودند. خلفای بغداد هم هرجا نام ایران و ایرانی و حتی فرهنگ و جشن‌های ایران می‌آمد با آن برخورد می‌کردند و اجازه نمی‌دادند جشن‌هایی مثل مهرگان یا سده برگزار شود. حتی امام محمد غزالی که البته دانشمند بزرگی بوده است، می‌بینیم چون تحت تأثیر اندیشه‌های خلافت بغداد است، می‌گوید نوروز و جشن‌های ایرانی اصلا نباید برگزار شود و نباید به فارسی سخن بگوییم. با این همه، در همین دوره و همین اوضاع، منوچهری دامغانی در ستایش محمود غزنوی می‌گوید: «ای سپاهت را سپاهان رایت را ری مکان/ ای ز ایران تا به توران بندگانت را وثاق». در شعر فردوسی و شاهنامه که در همان دوره غزنویان است می‌بینیم بیش از ۱۷۰۰ بار نام ایران، ایرانی، دهقان و آزاده که از این‌ها معنی ایران و ایرانی افاده می‌شود، آمده است، و اصلا شاهنامه سراسر آیین‌های ایرانیان است. نام ایران در منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه هم زیاد استفاده شده است، مثل «شهریارنامه»، «بانوگشسب‌نامه»، «برزونامه» و «بیژن‌نامه» و به‌ویژه «بهمن‌نامه» که پس از شاهنامه بیشترین نام ایران را می‌توانیم در این اثر ببینیم. در شعر سعدی چندین بار نام ایران آمده است. با اینکه او ۳۰ سال در دوران مغول در کشورهای عربی آواره بود، سراپا ایرانی بود و به زبان فارسی شعر گفت، آن هم در حالی که در شعر عرب نیز جایگاه ویژه‌ای داشت. سعدی در باب اول بوستان می‌گوید: «بگفت ای خداوند ایران و تور/ که چشم بد از روزگار تو دور». مسعود سعد سلمان هم بیتی دارد که می‌گوید: «به هر شهری که بگذشتی به آن شهر این خبر می‌ده/ که آمد بر اثر اینک رکاب خسرو ایران». اندیشه‌های مسعود سعد هم که کاملا اندیشه‌های ایرانی بوده است.

دکتر قیامتی ادامه می‌دهد: این اندیشه‌ها و نگاه را می‌توانیم در نگاه عین‌القضات همدانی و سهروردی هم ببینیم. این ۲ از عرفا و فلاسفه بزرگ و حکیمان بزرگی هستند که جانشان را هم بر سر ایران و اندیشه‌های ایرانی گذاشتند و در اوج جوانی اعدام شدند. فخرالدین اسعد گرگانی در «ویس و رامین» بارها نام ایران را آورده است. در شعر نظامی هم نام ایران و ایرانی هست. نظامی ۲ بیت مشهور دارد که می‌گوید: «همه عالم تن است و ایران دل/ نیست گوینده زین قیاس خجل/ چون‌که ایران دل زمین باشد/ دل ز تن به بود یقین باشد». در دوره صفویان که یکپارچگی ایران پدید آمد، باز هم می‌بینیم در شعر شعرا این نام مطرح می‌شود. صائب تبریزی نام ایران را به زیبایی هرچه تمام‌تر می‌آورد.

> در هیچ دوره‌ای نام ایران و ایرانی و علاقه‌مندی به وطن در بین شعرای ما محو نشد تا دوران مشروطه که اصلا مفهوم وطن می‌شود کلیدواژه تمام فعالیت‌های فرهنگی و ادبی

نام ایران هیچ‌گاه حذف نشد

این فعال فرهنگی کم شدن استفاده از نام ایران در برخی دوره‌ها را به شرایط سیاسی و جنگ‌ها مرتبط می‌داند و توضیح می‌دهد: این طبیعی است که در دوره‌هایی با نگاه‌هایی که حاکم شده بوده یا حمله‌های مرگباری که به ایران می‌شده، احساسات یکپارچگی وطن فروکش کرده باشد و مثل قرن چهارم و پنجم و ششم نبوده که احساسات ملی خیلی در اوج بوده و شاعران از جان و دل در این باره می‌سرودند. همچنین کسانی ضدیت می‌کرده و ایران‌ستیزی داشته‌اند. شاهنامه‌ستیزی در طول تاریخ بوده است و اجازه نمی‌دادند کسانی به مفاهیم وطن و ایران بپردازند. با وجود این شواهد، در هیچ دوره‌ای نام ایران و ایرانی و علاقه‌مندی به وطن در بین شعرای ما محو نشد تا دوران مشروطه که اصلا مفهوم وطن می‌شود کلیدواژه تمام فعالیت‌های فرهنگی و ادبی. پس از اسلام ایرانی‌ها سرگشته بودند و حیران که چه اتفاقی افتاده است. اگر از آن دو سه قرن اول بگذریم، احساسات ایرانی از رودکی آغاز می‌شود و در شاهنامه در قرن چهارم و در سده پنجم به اوج خودش می‌رسد. در قرون هفتم و هشتم این نام و احساسات ایرانی بسیار فروکش می‌کند. بر اثر حمله مغول، اولویت مردم عرفان و پرداختن به درون می‌شود و آلام و اندوه خودشان را با این مسائل تسکین می‌دادند. عده‌ای هم در این دوره‌ها تلاش می‌کردند نام ایران را حذف کنند و فکر می‌کردند ایران تقابلی با باورهای مذهبی دارد، در حالی که یک ملت با ۲ باور، یعنی باورهای ملی و باورهای مذهبی‌اش، شکل می‌گیرد. رشد و پیشرفت کشور ما هم با تلفیق باورهای مذهبی و ملی بیشتر می‌شود. هنوز هم عده‌ای به این تقابل معتقدند -هم در گرایش به ملیت و هم در مورد مذهب- در صورتی که نمی‌شود این ۲ را از هم جدا کرد، چون به‌هم‌پیوسته‌اند. نگاه تندی که برخی در دوره‌ای داشتند باعث می‌شد که این موضوع (استفاده از نام ایران) کم‌رنگ‌تر شود، اما هیچ‌گاه از بین نرفت. در جنبش بیداری ایران (مشروطیت)، نگاه ملی در شعر معاصر به اوج می‌رسد. اگر بخواهیم ۲ واژه برای شعر این دوره بگوییم، یکی آزادی است و دیگری وطن. نام ایران و آزادی را در شعر همه شاعران این دوره می‌توانیم ببینیم. میرزاده عشقی، نسیم شمال، ملک‌الشعرا بهار و بعدها در شعر نیمایی که می‌رسیم فریدون مشیری در زمینه سرودن اشعار برای ایران از همه قوی‌تر است. کانون همه این شعرای معاصر نیز مهدی اخوان ثالث است که خودش می‌گوید «من راوی قصه‌های از یادرفته‌ام» و شکوه و نام ایران باستان را در شعرش می‌توانیم ببینیم. در شعر شهریار هم چند غزل در ستایش ایران می‌بینیم. همچنین شعرای غیرحماسی ما نیز در شعر معاصر به این موضوع پرداخته‌اند، مانند هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری و به‌ویژه ملک الشعرا بهار. البته باید یادآوری کرد که هیچ‌گاه ایران به مفهوم یک قوم خاص و هیچ‌وقت مترادف با زبان فارسی نبوده است.

هوای تازه

ترجمان در فراسوی مرزهای خیال

گفت‌وگو با مطهره اسلامی، مترجم خراسانی

غزاله حسین‌پور| مثل خیلی از اهالی ادبیات، حضور در خانواده‌ای اهل فرهنگ نقش پررنگی در شکل‌گیری شخصیت فرهنگی او داشته است. مطهره اسلامی می‌گوید ادبیات در خانواده‌اش موروثی است و چند تن از اطرافیان او، مانند مادربزرگ مرحومش شاعر بوده‌اند یا هستند. ژن ادبی او از سویی و کتاب‌خوانی از سن کمْ مسیری را پیش پایش می‌گذارد که از مترجمی ادبی می‌گذرد. او در واقع از سال جاری با انتشار یافتن ۲ عنوان از برگردان‌هایش رسما به جرگه مترجمان پیوسته و حالا مشغول کار روی سومین کتابش است.

سال ۱۳۵۹ در سبزوار متولد اما در مشهد بزرگ شده است. ۸ سالی هم می‌شود که در تهران سکونت دارد. سال ۷۷ وارد رشته مهندسی برق دانشگاه فردوسی مشهد شده است. در این دوران طنزنویسی را از طریق همکاری نامستمر با یک نشریه دانشجویی تجربه می‌کند. تحصیلات او در ادامه به رشته ام‌بی‌ای کشیده می‌شود و اکنون دانشجوی دکتری رشته مالی در دانشگاه علامه طباطبایی است.

ماجرای سفر خیال‌انگیز یک زن در ظلمات

«از کودکی کتاب‌های مختلفی می‌خواندم و همه آن‌ها هم برایم جذاب بودند اما بزرگ‌تر که شدم، به آثار فانتزی علاقه‌مند شدم از جمله رمان‌های فانتزی فاخر نویسندگانی چون جرج آر آر مارتین و جی‌آر‌آر تالکین. اساسا در آثار فانتزی نوعی خیال‌انگیزی بی‌قید و نامحدودی وجود دارد که مرا به سمت خودش می‌کشاند. در ایران هم اگرچه شاید کار فانتزی به معنای رایج امروزی‌اش در جهان نداشته‌ایم، پیشینه این ژانر را در کتاب‌هایی چون «هزار و یک شب» و «سمک عیار» می‌توان ردیابی کرد.» و همین گرایش ادبی در مطهره اسلامی، نخستین کتاب او را در هیئت مترجم رقم می‌زند: «فصل پنجم»، کتاب اول سه‌گانه «زمین شکسته». این کتاب ماجرای زنی را روایت می‌کند که در پی بازماندگان خانواده‌اش است، آن هم در شرایطی که شکافی داغ و سرخ‌رنگ کره زمین را دریده و خاکستر این اتفاقْ تاریکی‌ای طولانی بر فضا حکم‌فرما کرده است.

به رغم علاقه، نمی‌توانم مترجم پرکاری باشم

بانوی مترجم می‌گوید: برای مدتی تصمیم گرفتم از شرکتی که در آن کار می‌کردم خارج شوم و به علایقم برسم. خوشبختانه دوستان بسیاری دارم که ذائقه ادبی‌شان خوب است. یکی از این دوستان دوره دبیرستانم، لاله حائریان اردکانی، کتاب «زمین شکسته» را به من معرفی و از آن خیلی تعریف کرد. این‌ها مقدمه‌ای شد بر ترجمه کتاب. وقتی برگردان کتاب اول از این سه‌گانه را با استفاده از راهنمایی‌های دوستم تمام کردم، حاصل را برای آقای حسین شهرابی -که کتاب‌هایی چون آثار دن براون را ترجمه کرده است- فرستادم. ایشان کار را خواند و راهنمایی‌هایی کرد که پس از به کار بستن آن و انجام برخی اصلاحات، ترجمه را به انتشارات کتابسرای تندیس دادم. امسال، پس از انتشار «فصل پنجم» و عرضه آن در نمایشگاه کتاب تهران، کتاب دوم از سه‌گانه «زمین شکسته» با نام «دروازه ابلیسک» نیز به قلم من در پاییز منتشر شد و هم‌اکنون سومین عنوان این مجموعه را در دست ترجمه دارم.

او درباره مجموعه مدنظر توضیح می‌دهد: «زمین شکسته» سه‌گانه‌ای در ژانر فانتزی فاخر و علمی‌تخیلی، اثری نسبتا سنگین در این نوع محسوب می‌شود. هر ۳ کتاب آن ۳ سال متوالی جایزه ادبی هوگو را که معتبرترین جایزه ژانر علمی‌تخیلی و فانتزی است دریافت کرده است.

از این مترجم خراسانی درباره ادامه فعالیتش می‌پرسیم که می‌گوید: انتشارات معمولا تمایل دارد کارش را با کسانی که یک اثر از آن‌ها منتشر کرده است ادامه دهد. طبق مذاکراتمان، چشم‌انداز همکاری به ۸ کتاب رسید ولی با توجه به اینکه فعالیت‌های گوناگونی انجام می‌دهم، نمی‌توانم پرکار بودن در زمینه ترجمه را در برنامه خود قرار دهم. با این حال، به این حرفه بسیار علاقه دارم و سعی می‌کنم کارم بهبود پیدا کند.

کتاب بعدی‌ام فانتزی نخواهد بود

اسلامی همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا کتابی هست که همیشه دوست داشته ترجمه کند اما موقعیتش پیش نیامده است، بیان می‌کند: دوست داشتم کتاب‌های خانم النا فرانته را ترجمه کنم اما ترجمه‌های آن در بازار کتاب ایران موجود است و فروش خوبی هم دارد. به گفته او، اثر بعدی‌ای که قصد دارد برگرداندنش به فارسی را به دست گیرد فانتزی نخواهد بود. او می‌خواهد این بار یک درام را به مخاطبان فارسی‌زبان ارائه کند، منوط به اینکه از کتاب مدنظرش ترجمه خوبی به فارسی صورت نگرفته باشد.

رویداد

شجریان در رسانه ملی بعد از ۱۰ سال

برنامه «شب موسیقی» شبکه ۴ به وضعیت سلامت استاد شجریان پرداخت

رضا زوزنی| در روزهای گذشته روابط عمومی شبکه ۴ اعلام کرد در برنامه «شب موسیقی» با همایون شجریان درباره آخرین وضعیت پدرش تلفنی گفت‌وگو کنند. در پی این اعلام، علی جهاندار، خواننده و یکی از شاگردان استاد محمدرضا شجریان، پشت خط تلفن این برنامه آمد و جای خالی همایون را پر کرد و درباره تازه‌ترین وضعیت درمانی محمدرضا شجریان سخن گفت. رضا مهدوی، مجری‌کارشناس «شب موسیقی»، شامگاه یکشنبه درحالی برنامه را آغاز کرد که در پس‌زمینه او تصویری از محمدرضا شجریان در قاب تلویزیون بود. این اتفاق درحالی رخ داد که نزدیک به ۱۰ سال است رسانه ملی از بردن نام این استاد موسیقی در برنامه‌های خود اجتناب می‌کند.

مهدوی ابتدا درباره شایعه‌های منتشرشده درباره فوت این هنرمند، سخن گفت و اطلاع‌رسانی درباره آخرین وضعیت استاد موسیقی ایران را دلیل اختصاص برنامه به او دانست.

علی جهاندار، خواننده موسیقی ایرانی و از هنرمندان نزدیک به محمدرضا شجریان، در این برنامه گفت: همان‌طور که می‌دانید، با کمک اکسیژن، نفس استاد مهیا بود و جای نگرانی وجود نداشت. جهاندار از اقدام همایون شجریان در اطلاع‌رسانی به‌موقع درباره وضعیت پدرش قدردانی کرد.

همایون با استفاده از صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام، در مقاطع مختلف، درباره وضعیت جسمانی و حیاتی استاد شجریان اطلاع‌رسانی می‌کند که مهم‌ترین و موثق‌ترین منبع در این‌باره است، همان‌طور که دیروز هم با انتشار خبر مسرت‌بخشی درباره بهبود وضع پدرش، مردم را خرسند کرد. او در این پست نوشته است: «خوشبختانه در دو روز گذشته، تغییرات مثبتی در وضعیت پدر حاصل شده که نیاز ایشان به دستگاه تنفسی را بسیار کم کرده است».

همچنین روز گذشته وحید تاج، یکی از خوانندگان موسیقی اصیل ایرانی و از شاگردان محمدرضا شجریان، نخستین خواننده‌ای است که با تهیه قطعه‌ای موسیقایی برای استادش، آرزوی سلامتی کرده است. این قطعه با مطلع «بخوان به نام عاشقی، نشد بگویمت که عاشقت منم/ بخوان که با نوای تو به ساز عاشقی همیشه می‌زنم» در دستگاه همایون اجرا شده است.

شفیعی کدکنی به روایت صدا

زندگی و خاطرات شاعر بزرگ خراسان در رادیو تهران روایت می‌شود

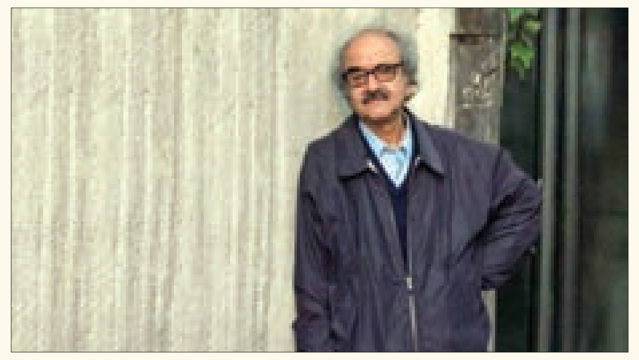

گروه هنر| ماجراهای زندگی و خاطرات شفیعی کدکنی در شش قسمت، توسط بهروز رضوی روایت می‌شود.

به‌گزارش ایسنا، سردبیر و نویسنده برنامه «کتاب شب» رادیوتهران، درباره این برنامه گفت: این مجموعه درقالب یک روایت شش‌قسمتی، از روز شنبه(دهم اسفند) تا پنجشنبه(پانزدهم اسفند) به زندگی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی(شاعر معاصر و استاد دانشگاه) به‌صورت «من-راوی» با صدای بهروز رضوی می‌پردازد و ماجراهای درس خواندن و حتی درس نخواندن و همچنین خاطرات این شاعر بزرگ خراسانی از برخی افراد را که با آن‌ها دوستی داشته است و بر او تاثیر گذاشته‌اند، روایت می‌کند: «این روایت رادیویی، بخش‌هایی جذاب و شنیدنی از زندگی و ماجراهای استاد شفیعی کدکنی است که براساس نوشته‌های خود استاد و مصاحبه‌هایی که انجام داده، تدوین و تنظیم شده است و به‌صورت یک زندگی‌نامه خودگفته یا خودنوشت، درآمده است و به مدت شش شب در برنامه «کتاب شب» رادیو تهران(موج اف‌ام ردیف ۹۴مگاهرتز) روایت خواهد شد.»

به‌گفته رضایی، در «جست‌وجوی نیشابور» اثر مجتبی بشردوست، «سفرنامه باران» اثر حبیب‌ا... عباسی، «شفیعی کدکنی و هزاران سال انسان» اثر کریم فیضی، شماره‌هایی از مجله «بخارا» و «روزنامه اطلاعات» و تقریبا اکثر مقدمه‌ها و نوشته‌های شفیعی کدکنی که در آن‌ها به‌صورت «اول‌شخص» سخن گفته است، منابعی بوده‌اند که این روایت رادیویی، از میان آن‌ها استخراج شده است.

برنامه «کتاب شب» ۲۵سال است که همه‌روزه به غیر از جمعه‌ها، ساعت ۲۳:۳۰ به تهیه‌کنندگی رضا قربانی و با صدای بهروز رضوی در گروه اخلاق و زندگی شهروندی صدای پایتخت، روی آنتن می‌رود.

ازجمله نام‌آوران حوزه شعر که زندگی‌نامه آن‌ها در این برنامه روایت شده است، می‌توان به سعدی، فردوسی، اقبال لاهوری، بیدل دهلوی، علی‌اکبر دهخدا، نیما یوشیج، شهریار، سهراب سپهری، اخوان ثالث، پروین اعتصامی، باستانی پاریزی، حسین منزوی، سیدحسن حسینی و محمدعلی بهمنی اشاره کرد.

جستار

یادگارِ سبزِ سایه

نگاهی به حضور هوشنگ ابتهاج در عرصه موسیقی ایرانی به مناسبت ۹۲ سالگی‌اش

یوسف بینا| شعر فارسی و موسیقی ایرانی از دیرباز پیوندی ازلی‌گونه و ناگسستنی داشته‌اند. کهن‌ترین نمونه‌های شعر فارسی که از پس قرن‌ها و سال‌های طولانی به‌دست ما رسیده، ترانه‌های باربد نکیسا، خنیاگر مشهور دربار ساسانیان است که برای قطعات موسیقی سروده شده است. پس از آن نیز شاعر بزرگی همچون رودکی که پدر شعر فارسی دری است در موسیقی نیز استادی تمام بوده است و از این دست شاعران در ادبیات فارسی کم نداشته‌ایم. در دوران معاصر نیز شاعرانی که هم در شعر و هم در موسیقی استاد بوده‌اند کم نداریم؛ از ملک‌الشعرا بهار و عارف قزوینی تا معینی کرمانشاهی و رهی معیری. اما یکی از نام‌آشناترین شاعران معاصر ایران که در عرصه موسیقی ایرانی نیز صاحب نظر و اثر است، هوشنگ ابتهاج (سایه) است. ابتهاج که در ششم اسفند ۱۳۰۶ متولد شده، از نوجوانی به سرودن شعر و حضور در مجامع ادبی و فرهنگی و هنری روی آورد و مجموعه‌های درخشانی از شعر متعادل معاصر همچون «نخستین نغمه‌ها»، «سراب»، «شبگیر»، «زمین»، «چند برگ از یلدا»، «یادگار خون سرو»، «سیاه‌مشق»، «تاسیان» و... حاوی غزل‌ها و نوسروده‌ها از خود به یادگار گذاشته است.

هوشنگ ابتهاج از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ سرپرست «برنامه گل‌ها» در رادیو ایران بود و در این برنامه که گلچینی از قطعات موسیقی اصیل ایرانی به‌شمار می‌رفت، هنرمندانی همچون محمدرضا شجریان، محمدرضا لطفی، شهرام ناظری، حسین علیزاده و نام‌های بزرگ دیگری را به موسیقی ایرانی معرفی کرد. ابتهاج به‌همراه هنرمندان یادشده در اعتراض به واقعه هفدهم شهریور ۱۳۵۷ (به‌شهادت‌رسیدن شماری از مردم انقلابی تهران به‌دست دژخیمان رژیم شاه) از رادیو استعفا کرد.

اما مهم‌ترین جلوه موسیقی ایرانی در آثار ابتهاج، تصنیف‌های بسیار زیبا و نیز اشعار دیگری از اوست که با هنرمندی بزرگ‌ترین آهنگ‌سازان و خوانندگان موسیقی اصیل ایرانی تبدیل به قطعات ماندگار موسیقی معاصر ایران شده است.

تصنیف «سرگشته» (تو ای پری کجایی) یکی از مشهورترین و ماندگارترین آثار موسیقی معاصر ایران است که نخستین بار با آهنگ‌سازی همایون خرم در دستگاه همایون و با صدای حسین قوامی اجرا شده است. این تصنیف را بعدها کامبیز روشن‌روان برای اجرای ارکسترال تنظیم کرد و با صدای محمد اصفهانی بار دیگر اجرا شد.

تصنیف «به یاد عارف» (بنشین به یادم شبی) یکی دیگر از تصنیف‌های ماندگار ابتهاج است که در آلبومی به‌همین نام منتشر شده است. این تصنیف با آهنگ‌سازی محمدرضا لطفی در بیات ترک و با صدای محمدرضا شجریان اجرا شده است.

تصنیف «سپیده» (ایران ای سرای امید) مشهورترین تصنیف هوشنگ ابتهاج است که با آهنگ‌سازی محمدرضا لطفی در دستگاه ماهور و با صدای محمدرضا شجریان اجرا شده است و اهمیت تاریخی آن نیز در این است که مهم‌ترین اثر موسیقی هنرمندان ایران در سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی است.

اما جدا از تصنیف‌های جاودانه ابتهاج که به سه نمونه آن اشاره شد، تعداد زیادی از غزل‌ها و نوسروده‌های این شاعر نیز تبدیل به قطعات آوازی یا تصنیف شده است. مهم‌ترین دلیل اقبال هنرمندان آهنگ‌ساز و خواننده به اشعار ابتهاج شاید زبان روان و موسیقی لطیف شعرهای او باشد که این دو ویژگی می‌تواند قابلیت یک شعر درخشان را برای اجرای موسیقی بیشتر کند.

استاد محمدرضا شجریان تصنیف‌ها و آوازهای بسیار زیبا و ماندگاری در آلبوم‌ها و کنسرت‌های مختلف خویش با اشعار ابتهاج اجرا کرده است که در آن میان می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: «برسان باده که غم روی نمود ای ساقی»، «نه لب گشایدم از گل نه دل کشد به نبید»، «در این سرای بی‌کسی کسی به در نمی‌زند»، «ای عاشقان ای عاشقان پیمانه‌ها پر خون کنید» و... همچنین هنرمندان دیگری همچون شهرام ناظری، علیرضا افتخاری، بیژن بیژنی، همایون شجریان، علیرضا قربانی، محمد معتمدی و... نیز غزل‌ها و نوسروده‌هایی از این شاعر را در قالب آواز یا تصنیف اجرا کرده‌اند. با این حال، یکی از آخرین و البته زیباترین اشعار ابتهاج به قالب موسیقی اصیل ایرانی درآمده و تصنیف ماندگاری شده، شعر «ارغوان» است (ارغوان، شاخه هم‌خون جدامانده من / آسمان تو چه رنگ است امروز...) که از نوسروده‌های شاعر به‌شمار می‌آید و با آهنگ‌سازی مهیار علیزاده و آواز علیرضا قربانی اجرا شده است.

زندگی با موسیقی

صدای سخن ساز خراسان

گفت‌وگو با گروه‌های مشهدی که در سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر روی صحنه رفتند

شکیبا افخمی‌راد| چند روزی می‌شود که سی‌وپنجمین دوره جشنواره موسیقی فجر به پایان رسیده است؛ جشنواره‌ای که امسال میزبان پنج گروه موسیقی از مشهد و خراسان بوده است. گروه‌های مشهدی امسال در سبک‌های مختلف ازجمله پاپ، سنتی، کلاسیک ایرانی و نواحی در سالن‌های تهران روی صحنه رفتند. در نوشتار پیش‌رو به‌سراغ سرپرست گروه‌های «خسروان»، «ترانه»، «سرو خراسان» و «بامداد مشهد» رفته‌ایم و نظرشان را درباره حضور در این رویداد بین‌المللی که تنها بخش از مجموعه جشنواره‌های فجر است که به صورت غیررقابتی برگزار می‌شود، جویا شده‌ایم.

موسیقی تعطیل نمی‌شود

«خسروان» یکی از گروه‌های خراسانی حاضر در سی‌وپنجمین دوره جشنواره موسیقی فجر بود. رضا انسان نوازنده تار، ساسان تیموری نوازنده کمانچه، مهدی افشاری نوازنده عود و سه‌تار، جاهد ملک‌زاده خواننده، ابوالفضل علی‌نیا نوازنده تنبک، مرجان خوش‌اندام نوازنده دف و احسان انوریان نوازنده سنتور و سرپرست گروه، اعضای «خسروان» را تشکیل می‌دهند. این گروه که یکشنبه ۲۷بهمن در سالن سوره تهران به روی صحنه رفت، هفت قطعه را که همگی از ساخته‌های اعضای گروه بود، اجرا کرد. به‌گفته احسان انوریان، سرپرست گروه «خسروان»، از میان این قطعات، ترانه «دل عاشق» به جان‌باختگان حوادث اخیر کشور تقدیم شد. همچنین این قطعه که با گویش خراسانی اجرا شد، استقبال تماشاگران را به‌همراه داشت. انوریان با گروه خود، دومین حضور در جشنواره موسیقی فجر را تجربه کرده است.

او درباره استقبال از این دوره جشنواره توضیح می‌دهد: جشنواره موسیقی فجر مثل دیگر جشنواره‌های هنری فجر نیست و استقبال آن‌چنانی از آن صورت نمی‌گیرد. متاسفانه مسئولان نگاهی را که به جشنواره‌های فیلم، تئاتر و شعر دارند، به جشنواره موسیقی ندارند و خیلی روی این رویداد مانور نمی‌دهند. ازسوی دیگر خود هنرمندان نیز از جشنواره موسیقی حمایت نمی‌کنند. سرپرست گروه خسروان، نظرش را درباره رقابتی بودن جشنواره موسیقی فجر این‌گونه شرح می‌دهد: تمام جشنواره‌های فجر به‌صورت رقابتی برگزار می‌شود. جشنواره موسیقی هم نباید از این قضیه مستثنا باشد و باید برای آن سازوکاری تعریف شود که تمام هنرمندان با هر سابقه‌ای در این رویداد شرکت کنند و با یکدیگر به رقابت بپردازند.

به نظر او، رقابتی شدن جشنواره موسیقی فجر، شور و هیجان این رویداد را بیشتر می‌کند، انوریان بر این باور است که باوجود تمام نقص‌های جشنواره موسیقی فجر، بودن آن از نبودنش بهتر است.

انوریان از این جشنواره به‌عنوان تنها رویداد مطرح موسیقی کشور یاد می‌کند که چراغ امیدی برای هنرمندان به‌ویژه هنرمندان شهرستانی است.

سرپرست گروه «خسروان» با تاکید بر اینکه موسیقی نباید تعطیل شود، دلایل حضورش در جشنواره فجر را این‌گونه شرح می‌دهد: من به‌عنوان یک نوازنده شهرستانی اگر در جشنواره فجر شرکت نکنم، چطور می‌توانم ترانه‌هایم را به گوش پایتخت برسانم؟ حقیقتا راه‌حل دیگری به غیر از جشنواره برای ما وجود ندارد. اگر بود، حتما آن را امتحان می‌کردیم.

انوریان درباره فعالیت‌های گروه «خسروان» بعد از جشنواره نیز توضیح می‌دهد: درحال برنامه‌ریزی برای اجرا در شهرستان‌ها هستیم. همچنین آلبومی با قطعات متفاوت را در دست تولید داریم.

نوای موسیقی پاپ از مشهد

معمولا گروه‌هایی که از مشهد در جشنواره موسیقی فجر شرکت می‌کنند، گروه‌های سنتی و نواحی هستند اما امسال در بخش پاپ نیز مشهد دارای نماینده بود. گروه «ترانه» به‌سرپرستی تورج امیرنظامی به‌عنوان تنها گروه پاپ مشهدی در این دوره از جشنواره در برج آزادی تهران روی صحنه رفت و توانست نظر مخاطبان را جلب کند.

به‌گفته سرپرست گروه ترانه، آنان قطعاتی را با مضامین عاشقانه، عارفانه، حماسی و حتی یک قطعه محلی خراسانی با تنظیم پاپ اجرا کردند. امیرنظامی اجرای آهنگ‌های متفاوت را دلیل استقبال تماشاگران از گروه «ترانه» می‌داند. به‌گفته او، رضایت تماشاگران از اجرا باعث شده است از این گروه درخواست شود تا در آینده چه در برج آزادی، چه در سالن دیگری در تهران، نیز روی صحنه برود.

او درباره جزئیات قطعات اجراشده در این کنسرت نیز توضیح می‌دهد: در این برنامه درکنار قطعاتی که ساخته خودم بود، دو قطعه «مریم سپید» و «منزل‌به‌منزل» از ساخته‌های پدرم، ایرج امیرنظامی، و یک ترانه محلی از خراسان‌شمالی به نام «یکه‌سوار» را نواختیم. امیرنظامی که اولین‌باری است در جشنواره موسیقی فجر حضور یافته است، درباره استقبال مردم از اجراها می‌گوید: اجراهای ارکستر سمفونی با استقبال خوبی روبه‌رو شد. در اجرای ما نیز خوشبختانه دوسوم سالن پر بود؛ اتفاقی که به نظر من برای یک گروه شهرستانی ناشناخته خیلی خوب بود. او همچنین از نحوه برگزاری جشنواره و غیررقابتی بودن آن ابراز رضایت می‌کند، اما بر این باور است که اگر سازوکاری تعیین شود تا اصول هنری را استادان مطرح ارزش‌گذاری و داوری کنند، می‌تواند بر شور و هیجان جشنواره بیفزاید.

این هنرمند برای استقبال بیشتر از اجراهای جشنواره نیز پیشنهاد می‌دهد بلیت کنسرت‌ها به هنرجویان دانشگاه موسیقی و علاقه‌مندان داده شود.

او درباره برنامه‌های آینده گروه خود توضیح می‌دهد: به‌دنبال مجوز برای اجرا در تهران و انتشار آلبوم هستیم. فکر می‌کنم گروه ترانه تا چند ماه آینده رشد خوبی داشته‌باشد.

لازم به ذکر است تورج امیرنظامی(سرپرست گروه، خواننده و نوازنده گیتار)، محمد تفقدی‌جامی(نوازنده گیتار، گیتار الکتریک و همخوان)، شهاب محمودی(نوازنده درامز)، خسرو صفری‌آهنی(نوازنده گیتارباس و همخوان)، گرشا زین‌اوقلی(نوازنده کیبورد)، امیر اثنی‌عشری(نوازنده پرکاشن) و سروش مقدم(نوازنده فلوت)، اعضای ارکستر گروه «ترانه» را تشکیل می‌دهند.

استقبال نشدن از موسیقی نواحی

گروه «سرو خراسان» به‌سرپرستی عزیز تنها از سال ۱۳۸۶ فعالیت خود را آغاز کرده و در طول این مدت در رویدادهای مختلفی چون کنسرت اکسپو ۲۰۱۰ شانگهای چین، جشنواره استانبول ترکیه و جشنواره‌های داخلی مختلف به اجرای برنامه پرداخته است اما این گروه امسال برای اولین‌بار توانست به جشنواره موسیقی فجر راه پیدا کند و به اجرای برنامه بپردازد. در این گروه علاوه‌بر عزیز تنها، امین امینی به‌عنوان خواننده و همایون حامدی، کیان واحدی، یاسمین تنها، نازنین تنها، آرمان واحدی و محمد میردادپور به‌عنوان نوازنده حضور دارند. آن‌ها در اجرای خود در سالن سوره تهران، شعر قدیمی «نصرو جان»، «ای یار من»، «هانی‌هانی»، «یار جانی» و یک قطعه بی‌کلام را که ساخته و تنظیم همگی برعهده عزیز تنها بوده است، نواختند.

به‌گفته عزیز تنها، همچون سال‌های اخیر که استقبال مردم از اجراهای گروه‌های موسیقی مناطق و محلی ایرانی چشمگیر نبوده است، از این اجرا نیز استقبال چشمگیری در قیاس با بعضی دیگر از انواع موسیقی‌های روز صورت نگرفته است؛ اتفاقی که نشان‌دهنده تغییر ذائقه مردم است.

این هنرمند جزو موافقان برگزاری جشنواره به‌صورت غیررقابتی است. به نظر او جشنواره‌های موسیقی به‌ویژه جشنواره‌های موسیقی مناطق، بهتر است غیررقابتی و به‌صورت جشنواره‌ای برگزار شوند، همان‌طور که بسیاری از رویدادهای اخیر مثل جشنواره موسیقی نواحی ایران که در کرمان برگزار می‌شود یا جشنواره آواها و نواهای رضوی در تهران، به‌صورت جشنواره‌ای و غیررقابتی برگزار می‌شود و تنها رقابت در انتخاب مراحل اولیه گروه‌ها برای حضور در این رویدادها مطرح است.

عزیز تنها درباره برنامه‌های بعدی گروه «سرو خراسان» نیز توضیح می‌دهد: تلاش می‌کنیم تمرین‌ها ادامه داشته باشد تا برای جشنواره‌های بعدی آمادگی لازم را برای اجرای بهتر داشته باشیم.

گروه مشهدی با صدای وحید تاج

«بامداد مشهد» به‌سرپرستی سالار مرتضوی، دیگر گروهی بود که از مشهد در این رویداد بین‌المللی حضور یافت و اجرایش نیز با استقبال مخاطبان همراه بود. درکنار مرتضوی نوازنده دف، نوازندگانی چون محمود اسکندری(تار)، رضا شریعتی(کمانچه)، یاسر فاطمی(نی)، امیررضا نقوی(عود)، بشیر مسلمی(سنتور) و جواد فرزانه(تنبک) در کنسرت ۲۴بهمن «بامداد مشهد» در تهران حضور داشتند و قطعاتی در دستگاه سه‌گاه و همایون و همچنین پنج تصنیف و چهار قطعه ضربی را اجرا کردند. خواننده‌ای که «بامداد مشهد» را در این اجرا همراهی می‌کرد، وحید تاج از خوانندگان مطرح کشور بود. مرتضوی درباره شکل‌گیری این همکاری توضیح می‌دهد: وقتی موضوع اجرای جشنواره فجر پیش آمد، این موضوع را با آقای تاج مطرح کردم و او نیز موافقت کرد تا در جشنواره با یکدیگر شرکت کنیم. به‌گفته این هنرمند، در این کنسرت گروه «بامداد مشهد» هم قطعات قدیمی موسیقی ایران را مثل ساخته‌های استاد پرویز مشکاتیان و محمدعلی کیانی‌نژاد اجرا کرده است و هم از ساخته‌های خود گروه نواخته شده است.

مرتضوی با غیررقابتی برگزار شدن جشنواره موافق است. به نظر او این نحوه برگزاری، فضای بهتری را در جشنواره ایجاد می‌کند. او همچنین یادآوری می‌کند: «آثار گروه‌هایی را که برای حضور در جشنواره موسیقی فجر درخواست داده‌اند، در ابتدا یک هیئت داوری، بررسی می‌کند و درنهایت تعدادی از گروه‌ها برای شرکت در این رویداد انتخاب می‌شوند، پس نوعی رقابت در جشنواره هست اما بعد از اجرا در جشنواره، رقابتی وجود ندارد که این اتفاق به نظرم مثبت است؛ چون معمولا با رقابتی بودن جشنواره، تمرکز اعضای گروه روی ممیزی شدن قطعات و رقابتی بودن رویداد می‌رود و آن حس‌وحال طبیعی اجرا از گروه گرفته می‌شود، از این‌رو روش حاضر برگزاری جشنواره به نظر من، روش خوبی است.

این هنرمند درباره ادامه همکاری با وحید تاج و دیگر برنامه‌های گروه «بامداد مشهد» نیز توضیح می‌دهد: هر دو طرف دوست دارند این همکاری ادامه داشته باشد. حقیقتا خود من تمایل دارم همین اجرای تهران را در مشهد اجرا کنیم. امیدوارم مسئولان فرهنگی شهر در این زمینه همکاری کنند.

صاحب خبر

زندگی دانشمند خراسانی در قاب تلویزیون

پایان نگارش فیلم‌نامه «ماه شب ۱۴» با موضوع زندگی خواجه نصیرالدین طوسی

گروه هنر| سریال «ماه شب ۱۴» با موضوع زندگی خواجه نصیرالدین طوسی به‌زودی وارد مرحله ساخت خواهد شد اما هنوز کارگردان، تهیه‌کننده و عوامل این سریال مشخص نشده‌اند. مدیر روابط‌عمومی معاونت سیما از اتمام نگارش فیلم‌نامه این سریال تا پایان سال جاری خبر داد و گفت: مرکز سیمافیلم در رویکردی جدید بین آثار ویژه‌ای همچون سلمان فارسی و موسی(ع) پروژه‌هایی با عنوان الف فاخر تعریف کرده است که سریال «ماه شب ۱۴» جزو این دسته از سریال‌هاست: «پروژه‌هایی که دارای موضوعی استراتژیک، ابعاد گسترده‌تر ساخت، وجوه تاریخی یا قرار بر تولید مشترک با کشور دیگر باشند، الف فاخر تعریف شده‌اند. این آثار قرار است خلأ وجود آثاری فاخرتر علاوه‌بر درام‌های عادی را پر کنند.» خواجه نصیرالدین طوسی فیلسوف، ستاره‌شناس، ریاضی‌دان، شاعر و پزشک خراسانی در قرن هفتم بود که ازجمله خدمات مهم او ساخت رصدخانه مراغه در استان آذربایجان‌شرقی است.

هنر شهری

معرفی آثار شایسته تقدیر بخش گرافیک شهری

بیانیه هیئت داوران بخش گرافیک شهری خانه بهار ۹۹ مشهد منتشر شد

براساس بیانیه هیئت داوران بخش گرافیک شهری خانه بهار ۹۹، متشکل از ساعد مشکی، مصطفی اوجی، محمد درویشی، رضا بختیاری‌فرد، وحید عرفانیان و محمدرضا عبدالعلی، هفت اثر شایسته تقدیر را در بخش‌های «سواد»، «نشان»، «نگار» و «نوشت» در گرافیک شهری اعلام کردند.

در این بیانیه آمده است: «طراحی هویت بصری یک شهر، نیازمند تدوین استراتژی و آیین‌نامه دقیق برای رسیدن به نتیجه‌ای درخور است.

تهیه این تفهیم‌نامه یا آیین‌نامه و استراتژی نیز تنها ازطریق ارائه اطلاعات براساس طرح جامع شهری، ساختار جامعه‌شناسی و چشم‌انداز فرهنگی، زیارتی و گردشگری شهر مشهد توسط مدیران و تصمیم‌گیران این شهر قابل انجام است، بنابراین هیئت داوران بخش گرافیک شهری جشنواره خانه بهار ۹۹ مشهد، تعدادی از آثار شایسته تقدیر را اعلام کرد.» هیئت داوران این بخش آثاری از ناهید جلالیان، محسن سازور، عطیه ضیغمی، زهرا کاسب و جواد نکونام را در سه بخش «سواد»، «نشان» و «نگار» و آثاری از علی اورعی و عاطفه محمدی را در بخش «نوشت» شایسته تقدیر دانستند.